



# دوفصلنامه پژوهشی در ادبیات کودک و نوجوان

شماره ۴، بهار و تابستان ۱۴۰۰

ISSN: ۲۲۸۴-۲۷۸۳

- باز آفرینی و باز نویسی در ادبیات تعلیمی کودک با تکیه بر متون کهن قلموس نامه - سیاستنامه دهه ۶۰ تا ۹۰
- باز تاب مفاصمین جنگ در شعر کودک و نوجوان دهه های ۸۰ و ۹۰ (با تأکید بر ده شاعر کودک و نوجوان)
- بررسی تأثیر جنگ ایران و عراق در ایجاد تصاویر تخیلی داستان شب بغیر فرمانده بر اساس نظریه ژیلبر دوران
- بررسی تطبیقی الماسه های و کهن الگوهای ایرانی و لهستانی
- بررسی ساختاری هنر شغفیت در داستان های نوجوان محمدرضا پیرامی
- بررسی لزوم آموزش مسائل جنسیتی کودکان در ادبیات کودک ایران با توجه به متدهای تربیتی فرهنگی و رشد درک کودک
- بررسی مؤلفه های اجتماعی و تربیتی در اشعار شاعران شاخص ادبیات کودک و نوجوان (با تکیه بر آثار اسدالله شعبانی، جعفر ابراهیمی و الماسه شعبان نژاد)
- تأثیر لعه گوئی الکترونیکی بر رشد مهارت های اجتماعی و تنظیم هیجانی کودکان کم توان ذهنی
- تحلیل محتوای مفاصمین و ویژگی های داستان رونی یک پیلانو لورت داده با تأکید بر موضوعات تربیتی و آموزشی
- تحلیل نشانه معناشناختی سازه روایی شخصیت در کتاب تصویر سیگانا
- مروری بر اهمیت آموزش کار آفرینی در مقطع ابتدایی
- نگرشی انتقادی به کارکرد زبان در آثار کودکان و نوجوانان

# بررسی تأثیر جنگ ایران و عراق در ایجاد تصاویر تخیلی داستان شب بخیر فرمانده براساس نظریه ژیلبر دوران

محمد رضا حاجی آقا بابایی<sup>۱</sup> و شبنم عبدالله پور<sup>۲</sup>

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران

## چکیده

یکی از پیامدهای جنگ هشت ساله ایران و عراق پدید آمدن شاخه‌ای در ادبیات به‌عنوان ادبیات مقاومت و پایداری است. ادبیات کودک و نوجوان نیز به‌عنوان زیر شاخه‌ای از ادبیات از بازتاب و تأثیر این جنگ مستثنی نیست و مانند سایر پدیده‌های فرهنگی تحت تأثیر جریان‌های سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرد، در نتیجه ریشه آن را باید در بستر اجتماعی جامعه بررسی کرد. جنگ به‌عنوان یک عامل بیرونی بر قوه تخیل که مهم‌ترین عامل در آفرینش هنر از جمله ادبیات است، تأثیر دارد. در این مقاله به بررسی تأثیر جنگ در شکل‌گیری تخیل نویسنده (احمد اکبریور) و خلق داستان شب بخیر فرمانده براساس ساختارهای نظام تخیل از منظر ژیلبر دوران براساس تقسیم‌بندی تصاویر در منظومه شبانه و روزانه پرداخته می‌شود. همچنین بازتاب این تصاویر در القای پیام نویسنده در مورد پدیده جنگ به مخاطب کودک و نوجوان بررسی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: جنگ، ادبیات کودک و نوجوان، تخیل، ژیلبر دوران، شب بخیر فرمانده.

## مقدمه

با توجه به شکل‌گیری ادبیات کودک در ایران به شکل نوین آن پس از انقلاب مشروطه، این شاخه از ادبیات نیز تحت تأثیر روندهای جریان‌ساز فکری در جامعه قرار گرفت. البته باید به این نکته توجه داشت که تأثیر تحولات جریان‌ساز بر هنر و از جمله ادبیات تعاملی دوسویه است و همان‌طور که عوامل جریان‌ساز بر ادبیات تأثیر می‌گذارد، ادبیات و هنر نیز در فرآیند ایجاد و شکل‌دهی تحولات تأثیرگذار نقش دارد.

با شروع جنگ ایران و عراق در شهریورماه ۱۳۵۹ پدیده جنگ و به تبع آن دفاع از میهن و حماسه‌هایی که تحت تأثیر جنگ در بستر جامعه شکل می‌گرفت، موضوع آفرینش و خلق آثار هنری گردید. با توجه به ریشه‌های ادبیات حماسی در تاریخ ادبیات ایران و همچنین با شروع به رسمیت شناخته شدن ادبیات کودک و نوجوان در ایران از سال‌ها قبل (هم‌زمان با انقلاب مشروطه) که نمود آن با تشکیل نهادهایی مانند شورای کتاب کودک و کانون پرورش‌ی کودکان مشخص می‌شود، نویسندگان زیادی با پرداختن به موضوع جنگ و پیامدهای آن به خلق آثاری برای مخاطب کودک و نوجوان پرداختند.

برای بررسی تأثیر جنگ در آفرینش ادبیات برای خوانندگان کودک و نوجوان ابتدا باید تعریفی از ادبیات کودک و نوجوان ارائه کرد، در این پژوهش برای تعریف ادبیات کودک و نوجوان به نظریه پیتروانته در مقاله‌ای تحت عنوان «تعریف ادبیات کودک» استناد شده است، در این نوشته هانت کتابی را در حوزه ادبیات کودک قرار می‌دهد که علی‌رغم تغییرات مداوم کودکی مورد توجه و خوانش

مخاطب کودک و نوجوان باشد. در این تعریف هانت از ادبیات کودک می‌توان تأثیر مقاله «خواننده مستتر کتاب» چمبرز را به‌خوبی یافت. با این تعریف از ادبیات کودک به این نکته می‌رسیم که نویسنده کودک و نوجوان باید به آفرینش زبان ادبی در ادبیات بپردازد تا مورد توجه مخاطبش قرار گیرد. محمدی در کتاب روش‌شناسی نقد ادبیات کودک می‌نویسد: «در ادبیات سه عنصر است که به‌کارگیری آن‌ها ماهیت زیبایی را می‌سازد. درحقیقت این سه عنصر در پیوند باهم و جزئی از تخیل به مفهوم عام هستند. این سه عنصر عبارتند از:

یک: زبان با کارکرد عاطفی

دو: تخیل هنری

سه: تصویرهای ذهنی خلاق

احساسات و عواطف هنرمند از راه تصویر ذهنی خلاق به مخاطبان اثر منتقل می‌شود. ابزار ذهنی تفکر هنری ایماژ یا تصویر ذهنی خلاق است.

تخیل به متن تازگی می‌بخشد و ذهن را وادار به واکنش عاطفی می‌کند. ویژگی اصلی تخیل این است که با جداسازی و تفکیک و ترکیب ذهنی عناصر واقعیت، واقعیت جدیدی می‌سازد که برای مخاطبان دنیای هنر تازه و بدیع است. «(محمدی، ۱۳۷۸: ۳۷) در این پژوهش داستان شب بخیر فرمانده احمد اکبرپور که براساس تعریف پیترهانت برای مخاطب کودک و نوجوان مناسب است، انتخاب شده است. این اثر براساس روش ژیلبر دوران در شناخت تخیل یک نویسنده، که مبتنی بر بازیابی قطب‌های تخیلی و پیدا کردن رابطه بین قطب‌ها و در انتها طبقه‌بندی آن‌هاست، مورد خوانش و بررسی قرار گرفته است.

## هدف پژوهش

«یکی از اساسی‌ترین تفاوت‌های موجود میان نظریه ادبیات کودک و تقریباً هر نوع ادبیات دیگری این است که نظریه ادبیات کودک نمی‌تواند یک نظریه «محض» باشد، ادبیات کودک عملاً کودک را دربرمی‌گیرد. فلسفه ادبیات سودای جهانی شدن را دارد، درحالی که فلسفه ادبیات کودک مقید به علمی، محلی و ملموس بودن است.» (هانت، ۱۹۹۵: ۵۳) براساس دیدگاه هانت درمورد ادبیات کودک نویسنده در حوزه ادبیات کودک و نوجوان تحت تأثیر محیط، فرهنگ و شرایط مختلف اجتماعی است. جنگ به‌عنوان یک عامل و محرک بیرونی چه تأثیری بر تصاویر حاصل از تخیل نویسنده در متن ادبی دارد. از آنجایی که مهم‌ترین موضوع مطرح شده در نظریه ژیلبر دوران در کتاب *ساختارهای انسان‌شناسی تخیل* «زمان» است، در بررسی مسئله پیش رو به اعتقاد ژیلبر دوران شورش علیه مرگ از یک طرف و کنترل زمان از طرف دیگر هر دو پشت و روی یک سکه هستند. در حقیقت این دو عمل نیروهای تخیل هستند.» (عباسی، ۱۳۹۰: ۷۵) بنابراین در این نوشتار بررسی تأثیر جنگ در تخیل نویسنده و بازتاب آن در تصاویر ایجاد شده براساس عکس‌العمل دفاعی از طرف انسان علیه زمان و مرگ در متن ادبی به‌عنوان یک مسئله مورد بررسی قرار می‌گیرد. موضوع مطرح شده در این مقاله از این لحاظ حائز اهمیت است که با بررسی تصاویری که نویسنده در متن برای مخاطب کودک و نوجوان ایجاد کرد و طبقه‌بندی آن تصاویر براساس منظومه روزانه یا شبانه براساس نظریه ژیلبر دوران می‌توان پیام نویسنده را برای مخاطب کودک و نوجوان براساس تصاویر ارائه شده درمورد جنگ در اثر داستانی تحلیل کرد.

## پیشینه پژوهش

ادبیات جنگ به‌عنوان ژانری شناخته شده در جهان از پرطرفدارترین انواع ادبی است که بسیاری از شاهکارهای ادبی جهان مانند جنگ و صلح تولستوی و در *انتهای شب* لوئی فردیناند سیلن نمونه‌های آن محسوب می‌شوند، اما ادبیات جنگ برای کودکان و نوجوانان به‌علت ممنوعیت ورود کودکان و نوجوانان به جنگ در کنوانسیون‌های حقوق بشر و عدم توانایی درک صحیح جنگ از سوی کودکان و آثار مخرب خشونت، کشتار، ویرانی و ... در روحیه کودکان و نوجوانان از سوی کارشناسان و نویسندگان کودک و

نوجوان محل تردید و بحث بوده است. با این حال ادبیات کودک و نوجوان جهان شاهد آثار ارزشمندی مانند کودک، سرباز و دریا درباره جنگ بوده است.

در کشور ما نیز، پس از آغاز جنگ و مدت زمان هشت ساله آن، آثار بسیاری از سوی نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان با موضوع جنگ منتشر شده است، اما همواره بحث بر ضرورت و چگونگی پرداختن به مسئله جنگ برای کودکان در میان کارشناسان مسائل کودک و نوجوان وجود داشته است.

در مجموعه مقالات «مقوله‌ها و مقاله‌ها» مباحث مرتبط با ادبیات کودک و نوجوان و جنگ را نقد و بررسی کرده‌اند. از جمله مقاله کاموس در سال ۱۳۸۹ در جلد دوم این اثر چاپ شده است. وی به بررسی عناصر بنیادین داستان‌های جنگ ویژه کودک و نوجوان می‌پردازد و سپس ویژگی‌های ساختاری از جمله طرح و شخصیت را مورد بررسی قرار می‌دهد. در همین زمینه به برخی از داستان‌های کودک و نوجوان در زمینه جنگ اشاره می‌کند. در این مقاله نویسنده داستان خاصی را به‌طور ویژه و کاربردی تجزیه و تحلیل نمی‌کند، بلکه به‌صورت کلی ادبیات داستانی کودک و نوجوان را در حوزه جنگ نقد و بررسی می‌کند.

در مورد تأثیر جنگ در ادبیات کودکان در سطح جهانی نیز مطالعات زیادی صورت نگرفته است. مقاله «تصویر جنگ جهانی دوم در ادبیات کودک و نوجوان انگلیس» نوشته دیتر پتزولد را شقایق قندهاری به فارسی ترجمه کرده و در آذرماه ۱۳۸۲ در نشریه کتاب ماه کودک و نوجوان منتشر شده است. در این مقاله نویسنده تعداد کتاب‌های نوشته شده در مورد تصویر جنگ جهانی دوم در ادبیات کودک و نوجوان انگلیس را تا حدود ۲۵ عنوان رمان و داستان تخمین می‌زند.

در کتاب دوران کودکی در تاریخ جهان نوشته پیتر استیرنس و ترجمه سارا ایمانیان که در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسیده است، فصل یازدهم کتاب با عنوان «آشفته‌گی‌ها در قرن‌های بیستم و بیست‌ویکم، رویارویی کودکان با جنگ و خشونت» به مسائل مربوط به تأثیر جنگ در زندگی کودکان از جمله کتاب‌های مربوط به آنان می‌پردازد.

## بررسی متن و تصاویر تخیلی در شب بخیر فرمانده

در این کتاب که تصویر و متن باهم درآمیخته است، برای بررسی تصاویر تخیلی باید تصویرگری کتاب و متن را باهم مورد بررسی قرار داد. تصویر روی جلد کتاب کودکی را در حال آماده شدن برای خواب نشان می‌دهد، درحالی که اسلحه خود را به حالت خوابیده به همراه چوب زیر بغل در کنار رختخواب خود گذاشته است. تصویر زنی در داخل قاب‌عکس بر روی دیوار اتاق و تصویر هواپیمایی به رنگ سفید پشت پنجره اتاق و رنگ سفید پنجره با وجود اینکه شب است. (با توجه به نشانه‌های ارجاعی در متن که زمان خوردن شام است)، شاید این تصویر مهم‌ترین تصویر کتاب است که در دو صفحه آورده شده است. دلایل اهمیت آن در ادامه آورده می‌شود. در صفحه پشت جلد کتاب هواپیمایی با رنگ سیاه در حال بمباران تصویر شده است و در صفحه مقابل تصویر کودک معلولی با یک پای قطع شده دیده می‌شود که رویه‌روی قاب‌عکس زنی ایستاده است، درحالی که در یک دست اسلحه به حالت عمودی نگه داشته و در دست دیگر چوب زیر بغل را گرفته است و به آن تکیه داده است.

در این صفحه پدر پای مصنوعی کودک را باز می‌کند. در این تصویر سایه کودکی معلول بر روی دیوار به‌صورت بزرگ‌نمایی شده دیده می‌شود که در ادامه داستان مخاطب متوجه می‌شود، تصویر فرمانده دشمن است. این صفحه جزء دو صفحه از متن کتاب است که تصویر قاب‌عکس مادر در آن دیده نمی‌شود.

در صفحه بعد کودک پس از بستن مجدد پای مصنوعی سلاح خود را به‌صورت عمودی برمی‌دارد و خطاب به تصویر مادر می‌گوید: «مامان، من انتقام تو را می‌گیرم.» (اکبرپور، ۱۳۹۴: ۸)

در این صفحه دوباره تصویر هواپیمای سیاه در حال بمباران دیده می‌شود.

تصویر صفحه بعد صحنه نبرد کودک است؛ فضای اتاق آکنده از دود و آتش است.

در صفحه مقابل کودک برای صرف شام از اتاق خود بیرون می‌رود، ولی تصویر فضای اتاق کودک فضای تصویر میز شام را احاطه

کرده است. اتاقی که تصویر قاب‌عکس مادر بر روی دیوار آن است. صفحه بعد تصویر رودررو شدن کودک با فرمانده دشمن است، هر دو کودک اسلحه‌های خود را به سمت همدیگر نشانه رفته‌اند، فضای اتاق پر از دود و خاک است، هواپیمای سیاه درست بالای تصویر قاب‌عکس مادر قرار گرفته است و درحال بمباران کردن است. در گوشه‌ای از کف اتاق سربازی بر زمین افتاده درحالی که اطرافش را لکه خون گرفته است. در صفحه شانزده تصویر کودک و قاب‌عکس مادر و اتاق کودک تصویر نشده است و فقط سربازهای طرفین جنگ حضور دارند، که به صورت دویه‌دو در مقابل هم قرار گرفته‌اند.

در صفحه بعد تصویر دو کودک درحالی که اسلحه را کنار گذاشته‌اند و درحال حرف زدن باهم درمورد پای مصنوعی کودک هستند، در مرکز تصویر دیده می‌شود. هواپیمای سیاه کوچک‌تر شده و درحال دور شدن از مرکز اتاق است. تصویر قاب‌عکس مادر جای خود را به تصویری از قاب‌عکس پدر و مادر در کنار هم داده است. در فضای اتاق تصویری از دود و خون و آتش دیده نمی‌شود. در صفحه بعد هر دو کودک اسلحه خود را بر زمین گذاشته‌اند. ماشین اسباب‌بازی با نوشته (PEACE) به معنای صلح بر روی خود در تصویر دیده می‌شود. کودک پای مصنوعی‌اش را به فرمانده دشمن داده است و خود درحال اعلام کردن آتش‌بس است. صفحه بعد همان تصویر روی جلد با مقیاس بزرگ‌تر است:

کودک درحال آماده شدن برای خواب نشان می‌دهد درحالی که اسلحه خود را به حالت خوابیده به همراه چوب زیر بغل در کنار رختخواب خود گذاشته است. تصویر زنی در داخل قاب‌عکس بر روی دیوار اتاق و تصویر هواپیمایی به رنگ سفید پشت پنجره اتاق و رنگ سفید پنجره با وجود اینکه شب است. آخرین صفحه کتاب تصویری از قاب‌عکس مادر را بالای صفحه درحالی نشان می‌دهد که به کودک که در رختخواب قرار گرفته و آماده خوابیدن است نگاه می‌کند.

در سمت پایین تصویر سربازها با دو رنگ تیره و روشن در داخل یک جعبه مقوایی جمع شده‌اند. یک مرتبه صدای مامان از توی قاب‌عکس بلند می‌شود. می‌گوید: «من به تو افتخار می‌کنم فرمانده.»

مامان از توی قاب‌عکس می‌گوید: «شب بخیر فرمانده!» (همان، ۲۴)

برای تحلیل تصاویر متن ادبی براساس نظریه ساختارهای تخیل ژیلبر دورانی باید خواننده متن ادبی پس از خوانش متن و استخراج تصاویر تخیلی تصاویر را براساس منظومه روزانه یا شبانه دورانی تقسیم نماید. پس از قرار دادن تصاویر در ساختار منظومه‌های روزانه و شبانه به دسته‌بندی آن‌ها براساس ساختار زیر بیرازد: با توجه به تقسیم‌بندی تصاویر تخیلی متن به دو گروه تصاویر ترسناک (ترس یا اضطراب از زمان) و یا غیرترسناک (کنترل زمان که) مؤلف کتاب (عباسی، ۱۳۹۰: ۷۵) انجام داده، تصاویر متن را استخراج نموده و سپس به صورت زیر تصاویر حاصل از متن ادبی تحلیل می‌شود:

تصویر اتاق کودک بر روی جلد کتاب و صفحه بیست‌وسه با تصویری از پنجره که با وجود اینکه شب است، نشانی از تاریکی در پشت شیشه پنجره دیده نمی‌شود و پشت شیشه سفید و نورانی است، مربوط به منظومه روزانه تخیلات با ارزش‌گذاری مثبت و نمادهای تماشایی و نور است.

تصاویر مربوط به انفجار که همراه با دود و سیاهی است، مربوط به منظومه روزانه تخیل با ارزش‌گذاری منفی و جزء نمادهای ریخت تاریکی است که همراه با صدای جیغ و گریه کردن است. واژه ترس بیشترین بسامد را در متن دارد و ده مرتبه به صورت مستقیم و دو مرتبه با عبارت‌های «دل‌م تاپ تاپ افتاد» و «دارد می‌لرزد» در متن آورده شده است.

لکه خون در کنار تصویر سرباز زخمی در کف اتاق نیز نماد آب سیاه است که جزء نمادهای ریخت سقوطی است. واژه زیرزمین در جمله «یادت هست بچه‌ها توی زیرزمین گریه می‌کردند و جیغ می‌زدند» همراهی نماد ریخت سقوطی زیرزمین

با جیغ و داد که از مشخصه‌های ریخت حیوانی است با ریخت تاریکی است.

تصویر اتاق کودک به همراه قاب‌عکس مادر که از ابتدای داستان به صورت پرنگ در متن حضور دارد و کودک برای وارد شدن در دنیای تخیل خود و ارتباط با مادرش به آن پناه می‌برد (به غیر از دو صفحه شش و شانزده که قاب‌عکس مادر در آن نیست) و همچنین تصویر پشت صندلی که فرمانده دشمن در آنجا پناه می‌گیرد، مربوط به منظومه تخیل شبانه با ساختار اسرارآمیز و نماد خلوتگاه است.

درواقع آنچه را که ژیلبر دوران آن را «دربرگیرنده‌ها» می‌نامد، همان مکان‌هایی هستند که انسان برای بهتر حفظ کردن خود به درون آن‌ها پناهنده می‌شود تا بتواند خود را پیدا کند و گذشته خود را زنده کند زیرا بدین وسیله حداقل می‌تواند برای مدتی کوتاه گذر زمان را فراموش کند. درحقیقت خانه، آشیانه، پناهگاه، غار، شکم و قبر نماد رحم مادر است.

واقعیت مادری همیشه با تصاویر خلوتگاه درونی و تصاویر تنهایی همراه می‌شود؛ مثلاً شعر و تخیل خانه این تصاویر (تصاویر خلوتگاه درونی) را در انسان بیدار می‌کنند و باعث می‌شوند که احساس آرامش و استراحت در انسان تولید شود. به همین دلیل تمام خدایگان مربوط به آرامش الهه‌هایی هستند که ویژگی‌های مادری در آن‌ها وجود دارد.

داخل شدن در اعماق دنیای تخیلی شبیه به داخل شدن در عمق وجود خود است. تمام تصاویری که این خصوصیات را نشان می‌دهند، دارای ویژگی‌های ارگانیک هستند که خانه را به بدن شبیه می‌کند؛ برای مثال خانه، اتاق، کمد، قفسه، گوشه (کنج)، قبر، غار، جنگل (درخت‌های جنگل اگر حالت پوشاننده‌ای را ایجاد کنند؛ مثلاً قهرمان داستان را از چشم دشمنان حفظ کند)، سبد (حضرت موسی را در سبیدی قرار دادند و او را به داخل رودی رها کردند) و ... مکان‌هایی هستند که ابتدا انسان را دربرمی‌گیرند و آنگاه او را تحت حمایت خود قرار می‌دهند، (مکان‌های بالا به شرطی نماد خلوتگاه درونی و نماد حمایت‌کننده هستند که حداقل تولید ترس نکنند). (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۱۱/۱۱۰)

## نتیجه‌گیری

«با انتخاب روش‌شناسی ژیلبر دوران در حوزه تخیل دیدیم که او تصاویر ادبی را در دو ابر ساختار یا دو نوع نوشتار طبقه‌بندی می‌کند: منظومه روزانه و منظومه شبانه. به نوعی می‌توان گفت به سه نوع نوشتار طبقه‌بندی می‌کند: ۱. ساختارهای قهرمانی (منظومه روزانه تخیل)، ۲. ساختارهای اسرارآمیز و ۳. ساختارهای چرخه‌ای (ساختار ۲ و ۳ در دل منظومه شبانه است). این سه ابر ساختار هرکدام به گروهی از محرکه‌ها متصل هستند که این محرکه‌ها هستند که نوع نوشتار را تعیین می‌کنند. در حالت ایده‌آل باید این سه گونه نوشتار در یک متن حضور داشته باشند. درواقع از بعد روانکاوی انسانی کامل است که این دو منظومه و یا این سه ابر ساختار را در خود داشته باشد؛ یعنی اینکه او حرکتی رفت‌وآمدی را بین این دو منظومه انجام دهد. این دو منظومه و یا این سه ابر ساختار در متن تنیده شده‌اند و محرکه‌های ابر ساختار با یکدیگر ترکیب می‌شوند و معنای جدیدی را تولید می‌کنند. حقیقت این است که این محرکه‌ها در یک متن با یکدیگر ترکیب می‌شوند و نحو خاصی را به‌وجود می‌آورند که به آن نحو تخیل می‌گویند. در یک متن نحو تخیل به خواننده کمک می‌کند تا معنای تصاویر ادبی گوناگون و چند نقشی را که در ارتباط با محرکه‌های مخصوص به همان تصاویری که در متن باز شده‌اند، مشخص سازند. به زبانی ساده نحو تخیل یعنی رابطه و پیوند بین تصاویر ادبی در یک متن و درست این روابط موجود بین تصاویر یک متن است که تولید معنا می‌کند.» (عباسی، ۲۲۱: ۱۳۹۰) براساس تقسیم ژیلبر دوران و تقسیم انجام شده از طرف مؤلف کتاب ساختارهای نظام تخیل از منظر ژیلبر دوران؛ کارکرد و روش‌شناسی اگر تصویری که نویسنده در اثر خود ارائه می‌دهد ترسناک باشد، به‌طور خودکار، متعلق به منظومه روزانه تخیلات با ارزش‌گذاری‌های منفی خواهد بود. اگر تصویر غیرترسناک یا خوشایند باشد، از دو حالت خارج نیست یا مربوط به «منظومه روزانه تخیلات با ارزش‌گذاری‌های مثبت» است، (مثلاً تصاویر عروج و ... ) یا متعلق به «منظومه شبانه تخیلات» (تصاویر خلوتگاه درونی و ... ) خواهد بود. اگر بخواهیم روانکاوانه این قسمت را تفسیر کنیم به این صورت است که تمام تصاویری که متعلق به گروه ب (یعنی تصاویر غیرترسناک یا خوشایند) هستند،

نشان دهنده این حقیقت هستند که انسان با تخیل چنین تصاویری به‌طور ناخودآگاه سعی کرده است که زمان را کنترل کند و تمام تصاویری که متعلق به گروه الف (یعنی تصاویر ترسناک) هستند مربوط به زمانی است که انسان از لحاظ روانی حالت خوبی را نداشته است یا بهتر بگوییم او در این مرحله خاص از زندگی‌اش توانسته است بر ترس و اضطراب وجودی‌اش غلبه کند. تصاویر تخیلی مربوط به منظومه روزانه با ارزش‌گذاری مثبت فقط یک‌بار در متن دیده می‌شود. حرکت رفت‌وآمد بین محرکه‌ها با تصاویر مربوط به منظومه روزانه با ارزش‌گذاری منفی با ریخت تاریکی و منظومه شبانه و ساختارهای اسرارآمیز و نمادهای خلوت‌نگاه و آرامش است. این تصاویر با متن و روند داستان هم‌راستایی دارد. تصاویر تخیلی با روند داستان همخوانی دارد. تصاویر ترسناک مربوط به تاریکی و صدای انفجار و بمباران است. این تصاویر ترسناک با بسامد بالای واژه ترس نمود بیشتری دارد. در روند داستان مخاطب متوجه دلایل ترس کودک می‌شود. بمباران، زیرزمینی که هنگام بمباران با مادر خود در آنجا پناه گرفته بود، صدای جیغ و فریاد بچه‌ها درحین بمباران، مرگ مادر و معلولیت کودک بر اثر بمباران لحظاتی است که قهرمان داستان براساس نظریه ژیلبردوران نتوانسته است بر ترس از زمان و رویارویی با مرگ غلبه کند. در مقابل فضای اتاق کودک با تصویری از قاب‌عکس مادر بر روی دیوار آن پناهگاهی است برای کودک تا در دنیای تخیل خود فرو رفته و با مادر خود ارتباط برقرار کند. در اینجا قهرمان داستان بر ترس خود از مرگ و جنگ غلبه می‌کند و با به‌دست گرفتن اسلحه (نماد جداکننده) به نبرد با دشمن می‌پردازد و می‌خواهد انتقام مرگ مادر را بگیرد. درنهایت و در رویارویی با فرمانده دشمن او را کودکی همچون خود یافته و در دنیای تخیل خود صلح را بر جنگ ترجیح می‌دهد و با امانت دادن پای مصنوعی‌اش به فرمانده دشمن به رختخواب می‌رود.

## منابع

- اکبری‌پور، احمد. (۱۳۹۴). شب بخیر فرمانده. تهران: افق.
- عباسی، علی. (۱۳۹۰). ساختارهای تخیل از منظر ژیلبر دوران؛ کارکرد و روش‌شناسی تخیل. تهران: علمی و فرهنگی.
- محمدی، محمدهادی. (۱۳۷۸). روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان. تهران: مؤلف.
- هانت، پیتر. (۱۳۹۵). دیدگاه‌های نظری و انتقادی در ادبیات کودکان. تهران: آرون.